

عنوان مقاله:

نقش پژوهش های کیفی در تحلیل هنرهای تجسمی با تاکید بر آثار نقاشان جهان اسلام (نمونه های موردی: حبیب الله صادقی، خالد تهمازی، آمینه احمد، عادل رستمف)

محل انتشار:

مجله جامعه شناسی هنر و ادبیات، دوره 13، شماره 1 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

صادق رشیدی - دکترای تخصصی پژوهش هنر، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، استادیار گروه آموزشی آموزش هنر، تهران، ایران

علی اصغر کلانتر - دکترای تخصصی تاریخ تحلیلی-تطبیقی از دانشگاه شاهد، عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، استادیار گروه پژوهش هنر و صنایع دستی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

پژوهش کیفی نوعی پژوهش بینا رشته ای و ترا رشته ای به شمار می رود که می توان آن را در مطالعات و تحقیقات حوزه هنر به کار برد. این فرآیند از طریق برخی از الگوها و دیدگاه های معرفت شناختی قوام پیدا می کند و هدف آن بیشتر درک و فهم پدیده هاست تا پیش بینی وضعیت ها. پژوهش کیفی، ساحتی متأثر از مولفه ها و پارادایم های پسامدرن، هرمنوتیک، مطالعات فرهنگی، نشانه شناسی و تحلیل های انتقادی گفتمان است، لذا از این منظر گاهی مواقع واجد نوعی رویکرد انتقادی و تحلیلی است. این مقاله که با استفاده از روش تحقیق کیفی (نشانه معناشناسی) نوشته شده، به بررسی و معرفی پژوهش کیفی و کاربرد آن در مطالعات هنری، با مطالعه موردی نقاشی معاصر جهان اسلام پرداخته است. اطلاعات و داده های مورد نظر بر اساس مطالعات نظری و روش کتابخانه ای گردآوری شده اند. نتایج حاصل از تحلیل یافته ها نشان می دهد که: ۱ نقاشی معاصر جهان اسلام، به دلیل دارا بودن ابعاد زیبایی شناختی، زبان و بیان معاصر خویش؛ و در عین حال به عنوان یک نظام نشانه ای، می تواند توسط پژوهش های کیفی از چارچوب ها و دیدگاه های کلی و بعضاً توصیفی خارج شده و در حوزه های تحلیل متن مورد بررسی قرار گیرد. ۲ تحقیقات کیفی به دلیل خاصیت چند بعدی و منعطف خود، مناسب ترین روش و رویکرد علمی در مطالعات هنرهای دیداری و به ویژه نقاشی به شمار می رود که اغلب هم نتایج علمی و متفاوتی از تفسیر و تحلیل متون هنری به دست می دهد.

کلمات کلیدی:

پژوهش کیفی، نقاشی، نشانه معنا شناسی، تصویر و هنرهای معاصر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1611600>

